



۲۰۱۵/۰۷/۰۹



ف، هیرمند

جنایات بزرگ و خیانت ملی

دسته ای از جرایم کلان یا جنایات بزرگ وجود دارند که این جرایم در سطح ملی هرکشور شناخته شده و از نظر منافع همگانی و ملی کشورها حائز اهمیت جدی میباشند، این جرایم به نام های متفاوت مانند "جرایم علیه دولت، ملت"، "جرایم علیه امنیت داخلی دولت"، "جرایم علیه امنیت خارجی دولت"، "جرایم علیه امنیت و منفعت عامه" و... یاد می شوند. نوعی از این جرایم را بعضاً با اصطلاح "خیانت ملی" مسمانموده اند.

واقعیت این است که در قوانین جزایی برخی از ممالک اصطلاح "خیانت ملی" در فهرست جرایم به کار برده نه شده است اما عین اعمال در فهرست جرایم مندرج آن قوانین به نام مسما تر دیگری با همان مجازات های سنگینی که برای اعمال منصوب به "خیانت ملی" پیش بینی گردیده در نظر گرفته شده است. در قانون جزای کشور ما در فهرست جرایم، کدام جرمی به نام "خیانت ملی" درج نبوده است، اما همان اعمال در باب اول «جنایات و جنح ضد منفعت عامه» با مجازات های مربوط آن قید شده است که در فصل اول این باب، اعمال آتی ردیف شده اند؛ جرایم علیه امنیت خارجی دولت همراه با مجازات های متعلقه آنها توضیح شده است، این فصل در حدود ۲۹ ماده (۱۷۳-۲۰۲) را دربر میگیرد و اعمال مانند؛ انفکاک اراضی قلمرو کشور از بدنه وطن و یا فراهم نمودن الحاق آن به یک دولت خارجی، فراهم نمودن تسهیلات برای ورود دشمن به قلمرو کشور، تسلیم نمودن وسایل و امکانات دفاعی کشور به دشمن، قیام مسلحانه به کمک دولت خارجی، جاسوسی کردن برای دولتی که افراد را تحریک به قیام مسلحانه نموده است، پیوستن به قوای مسلح دشمن در حال جنگ با دولت افغانستان، افشای اسرار دفاعی کشور به دشمن، کسب اطلاع به منظور افشای آن به دشمن جهت تسلیم شدن، اتلاف شی و ابزاری که از اسرار نظامی کشور شمرده شود، تحریک و تشویق عساکر به خدمت زیر بیرق دولتی که با افغانستان در حالت جنگ قرار دارد و یا به نحوی برای قوای دشمن عسکر، اموال، تجهیزات و یا وسایل فراهم نماید، و یا با اتخاذ تدابیر به نفع دولت در حال جنگ با افغانستان بپردازد، روحیه عساکر و مردم را به نفع دشمن متزلزل نماید، مامور، اجبر یا سایر موظفین خدمات عامه که اسرار دفاعی را در زمان جنگ بدون تسلیم دادن آن به دشمن افشا کند.

در فصل دوم همین باب قانون جزای افغانستان ۴۸ ماده (۲۰۴-۲۵۲) به اعمال ارتكابی بی اختصاص یافته که بنام جرایم علیه امنیت داخلی دولت مسمان گردیده است، در این اعمال جرایمی نظیر براندازی مسلحانه نظام دولتی، تعرض به حیات رئیس جمهور، مجبور ساختن رئیس جمهور به تصمیمی که موصوف اراتماً موافق نباشد، دعوت و تحریک کردن اردوی افغانستان به قیام مسلحانه، و ده ها جرم دیگر که غالب آنها را جرایمی از نوعی ارتكابی توسط موظفین خدمات عامه یا مامورین و کارمندان دولت تشکیل می دهند، فهرست شده اند که میتوان بخش زیاد این دسته جرایم را از نگاه منافع ملی کشور جرایم بزرگ "استنباط" نمود. اما به تأکید که در قانون جزای افغانستان تا حال کدام جرمی بنام «خیانت ملی» توصیف و تعریف نه شده است.

در اینجا حس می شود که اندکی به معنی اصطلاح ترکیبی "خیانت ملی" تعمیق به عمل آید؛ در اصطلاح شماره ۶۷۷۲ ترمینولوژی حقوق برای "خیانت" این تعریف درج شده است: «سوء استفاده از اعتماد کسی که به وی اعتماد شده است» و در شماره ۶۷۷۳ همان جا: «خیانت در امانت...». معنی موجود بازگوکننده این مطلب است که خیانت وقتی ارتكاب یافته میتواند که ارزشی خواه مادی و خواه معنوی به شخصی اعتماد شده باشد و موصوف از آن سوء استفاده نموده و یا آنرا خلاف هدف اولی محوه کند، برباد بدهد و یا به دشمن بسپارد، پس خیانت در معنی محدود آن در امور ملی (تمام ارزش های مادی و معنوی یک کشور که متعلق به ملت و مردم آن است و دارایی ملی گفته می شود) غالباً و منطقاً توسط موظفین خدمات عامه (به معنی قبلی که توضیح شد) ارتكاب یافته می تواند، زیرا همانان اند که پست ها و وظایف پرمسئولیت به آنها اعتماد شده و بعداً خدای ناخواسته از این اعتماد سوء استفاده کرده و خاکم به دهن مرتکب جرم خیانت ملی شوند. در حالیکه شخص برون از دولت و فاقد پست دولتی که به وی کدام وظیفه مهمی اعتماد نه شده است، برون از کدر دولتی دست به ارتكاب همان فعلی بزند که برای مامور دولت "خیانت ملی" نام گرفته است، زیرا مامور موصوف به اعتماد عمومی خیانت کرده است اما

د پائو شمیره: له ۱ تر ۴

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابلۍ. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکنې دليکنيزې ښې پاڼوالې د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خير و لولۍ

برای این دومی که کدام پست و صلاحیتی به وی اعتماد نه شده و موصوف از برون از دولت مرتکب عمل متذکره گردیده است، اصطلاح "خیانت ملی" زیاد هم با مسما حس نمی شود، در این جا بحث بالای ماهیت و خامت عمل ارتكابی نیست بلکه بحث بر سر انطباق مؤثّق اسم جرم با وضعیت واقعی یی مرتکب جرم است. ولی اگر خیانت را به معنی وسیع تفسیرکنند هر عمل متعلق به فصل مربوط، مندرج در مواد متذکره قانون جزا، خیانت ملی توصیف خواهد گردید، چنین روش استفاده از تفسیر وسیع در حقوق جزایی اصولاً یا به کار نمی رود و یا با شرایط سختی از این روش استفاده میگردد.

اما اکثرآ نظام های استبدادی و ایدیولوژیک برای سرکوب، بدنام کردن و تخریب مخالفان خود به تفسیر وسیع و تسری تعریف جرم "خیانت ملی" به اعمال دیگر پرداخته اند، و از این شیوه برای رسوا کردن مخالفان خود در ذهنیت عمومی از اصطلاحات خشن و شدید جرایم استفاده نموده اند.

اصطلاح "خیانت ملی" ورد زبان افراطیون و سیاسیونی که علیه رقبای خود تبلیغ میکنند و قدرتمندان بر سر اقتداری که در صدد کاهش اعتبار رقبای سیاسی خود اند آنها را به اراده ارتكاب خیانت ملی متهم می نمایند، این طرز نگرش حاوی نتایج نا مطلوب بوده و کمترین عاقبت بد آن خواهد بود که ارزیابی را از دقت لازم میری خواهد ساخت و اعمال جرمی به نام های معروف خواهد شد که به آنها تعلق ندارند.

در مورد دادن توصیف جرم خیانت ملی به فعل قتل اشخاص مقتدر و یا نامدار نمی توان به کدام دلیل و استدلال مقنع و محکم دست یافت، قتل اشخاص رسمی و نامدار ممکن ضایعه و عاقبت نامیمون سیاسی را به دنبال داشته باشد ولی نمی توان به آن نام خیانت ملی را مؤجه دانست. در قانون جزای افغانستان - مربوط فصل جرایم علیه امنیت داخلی دولت - در ماده ۲۰۶ آن می خوانیم: «۱ - شخصیکه علیه حیات رئیس جمهور تجاوز یا آزادی او را سلب نماید به اعدام محکوم می گردد. ۲ - مرتکب شروع به جرم مندرج فقره فوق به حبس دوام محکوم می گردد.» در این ماده برای قتل رئیس جمهور توصیف خیانت ملی داده نه شده است.

طوریکه خانم فرهیخته هم مسلک من میرمن ملالی نظام در مقاله با ارزش شان روشن ساخته اند، در همین کشور خود ما هر بار که یک شخص یا گروهی قدرت را از رقبای پیشین خود ربوده است، گذشتگان را به ارتكاب جرم خیانت ملی متهم نموده است و یا گروه های که ظاهراً به اتهام براندازی دولت دستگیر گردیده اند، بدون معطلی مهر ارتكاب خیانت ملی بر آنها زده شده است، در حالیکه این جرم نوعی از "جرایم علیه دولت" شناخته می شود، که در حالاتی میتواند ماهیت خیانت ملی را داشته باشد و در حالاتی هم برعکس آن.

در کشور ما قانونی وجود دارد به نام "قانون جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی" این قانون در ۳۰ میزان ۱۳۶۶ هجری شمسی توسط هیأت رئیسه شورای انقلابی دولت وقت به تصویب رسید، در ماده اول فقره ۱ قانون مذکور "جرم خیانت ملی" بدین گونه تعریف شده است: «ماده اول: خیانت به وطن(خیانت ملی) ۱- اعمال عمدی تبعه جمهوری دموکراتیک افغانستان علیه حق حاکمیت مردمی، صیانت، تمامیت ارضی، استقلال و امنیت ملی و قابلیت دفاعی کشور میباشد که عبارت اند از: - پیوستن به دشمن، فعالیت مسلحانه علیه حاکمیت مردمی، جاسوسی، تسلیمی نیروها، واگذاری سلاح، تخنیک محاروبی، استحکامات و سایر وسایل پیشبرد جنگ، در اختیار گذاشتن معلومات حاوی اسرار دولتی و نظامی به کشورها یا سازمان ها یا گروه های ضد دولتی.

- تشریک مساعی و همکاری باکشورهای خارجی یا سازمان ها یا گروه های ضد دولتی در اجرای فعالیت خصمانه شان علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان.

- توطئه به منظور کسب قدرت دولتی ...» این بود ماده اول قانون متذکره که قسمت اساسی مربوط به تعریف "خیانت ملی" از آن در این نوشته نقل شد.

با در نظر گرفتن این اصل که "هرقانونی نشانه اوضاع و احوال حاکم بر زمانی را در خود دارد که در آن زاده شده است"

قانون فوق در شرایطی تصویب و نافذ شد که دولت دموکراتیک در حالت جنگ با مجاهدین و تنظیم ها قرار داشت و جهت متهم نمودن و به محاکمه کشانی سهل افراد وابسته به تنظیم ها و بی اعتبار ساختن هر چه بیشتر آنها، سعی نمود با انفاذ این قانون کار خود را آسان کند، بنابراین زمان و نیت تصویب و انفاذ این قانون صریحاً مبین این حقیقت است که مقصد اصلی طراحان آن نه حفاظت منفعت های ملی در برابر ارتكاب جرم "خیانت ملی"، بلکه تحقق اهداف سیاسی - ایدیولوژیک آنها بوده است، این ماده که موارد متفاوت را یکجا کرده و تحت عنوان "جرم خیانت ملی" بسته بندی نموده است، اعمال و محتویات آن به طور خیلی مسلکی و دقیق در فصل مربوط قانون جزای افغانستان قبلاً توضیح و ماهیت جرمی داشته است، پس چرا دولت دموکراتیک آنها را کولوله کرده و در

یک ماده «خیانت به وطن(خیانت ملی)» انباشته است، این اقدام به جز ایدیولوژیزه کردن دیدگاه قانون به نفع سیاسی و آرمانی آن نظام مقصد دیگری نه داشته است و به سختی می شود علت دیگری را در آن شرایط برای انفاذ آن سراغ نمود

و اگر نه در آن زمان ابر قدرت خارجی "اتحاد شوروی سابق" نه تنها به تمام اسرار و حیات و ممات دولت دموکراتیک و دارایی های موجود وطن ما دسترسی داشت بلکه تمام امور، تقریباً به ملاحظه که، جی، بی شوروی رسانیده میشد، که به آسانی می شود انطباق تعریف جرم "خیانت ملی" را در این طرز اعمال ملاحظه نمود. به این ترتیب دولت دموکراتیک با طرح تعریف جرم "خیانت ملی" به تنظیم ها سعی میکرد خود را غسل بی گناهی بدهد که نمی شد.

اگر به دقت ملاحظه شود تمایل مردم ما به تعقیب متهمین به جرایم علیه بشریت جدی تر بوده است، و این دلیل برآن است که گاهی جنایات علیه بشریت نسبت به ارتکاب جرایم علیه منفعت و امنیت عامه، منجمله خیانت ملی، اهمیت بیشتر کسب میکند و نیز نشان دهنده این درک است که در طی چند دهه مصیبت بار اخیر اهمیت و مدرج "منافع ملی" ما چنان نزول نموده که کسی به فکر تعقیب خیانت گران آن نه افتاده است.

عده ای از حکومت ها به منظور برقرار ماندن خود اعمالی را در فهرست جرایم بزرگ شامل میسازند که از نظر وقوع خود چندان عواقب وخیم را به دنبال نمی داشته باشند و یا اعمالی را جنایات بزرگ مسمما می نمایند که صرف برای خود آن رژیم مخاطره آمیز میباشند و بعضی از این جرایم در نظام های استبدادی حتی شامل قانون جزا هم نبوده ولی بنا برسیاست اختناق رژیم، بعد از ارتکاب آن، "جرم" اعلام میشود. بعضاً جرایم معروف به "خیانت ملی" در رژیم های توتالیتر و پیرو ایدیولوژی های مشخص بیشتر معمول بوده است.

در کود جزای فرانسه جرم "خیانت و جاسوسی" به تعبیر محدود و محتاطانه آن به کار رفته است در باب چهارم آن تحت عنوان "جنایات و جنحه علیه ملت، دولت و امنیت عامه" صرف فصل اول آن به نام "خیانت و جاسوسی" تخصیص یافته که حاوی ۹ ماده میباشد جرایم شامل این ۹ ماده عبارت اند از انتقال کلی یا قسمی ساحه ارضی فرانسه به یک قدرت بیگانه، واگذاری و انتقال قوت های نظامی و ابزار های مادی دفاعی به همان قدرت ها، مخبری کردن برای یک قدرت خارجی، انتقال معلومات برای یک قوه خارجی، سبوتاز، تبلیغات دروغی و حاوی معلومات غلط و تحریک نمودن به ارتکاب جرایم همین فصل را در بر میگیرد.

در کود جزای کشور مذکور قبل از تذکر باب چهارم آن، در باب دوم جرایم دیگری تحت عنوان "جنایات و جنحه علیه اشخاص" گنجانیده شده است که در عنوان اول آن "جنایات علیه بشریت و محیط انسانی" را توضیح میکند و بعد در فصل اول همین عنوان جنایات علیه بشریت را تعریف و تشخیص مینماید، به این ترتیب در نظام جزایی فرانسه این جرایم علیه بشریت از نظر وخامت نسبت به جرایم علیه دولت، امنیت و منفعت عامه ارجحیت داده شده است، به یک تعبیری این دو نوع جرایم، از لحاظ کیفی با هم چنان در رابطه تنگاتنگ قرار دارند که در هر کدام آن چهره دیگری را می توان ملاحظه نمود، این هم قابل یادآوری است که اصطلاح جرم "خیانت" بدون پساوند "ملی" در کود متذکره جا داده شده است تا کود مذکور از هرگونه تمایل جانبدارانه ناسیونالیستی مبری باشد و هم در فعل "خیانت" به کیفیت تخریبی و آسیب گر آن توجه شود و نه صرف به تعبیر "ملی بودن" آن.

یکی از مثال های جرایم ارتكابی علیه محیط زیست انسانی، خشکانیدن بخش اعظم بحیره اورال است که دولت شوروی سابق در سال ۱۹۶۰ با آغاز تغییر دادن مسیر آن مرتکب جنایت به محیط زیست انسانی شده است.

در نهایت نتیجه اینکه جرم "خیانت ملی" به حیث یک جرم، مربوط گروپ جرایم علیه دولت، ملت، منافع کشور و همگانی قابل تشخیص و تفکیک است توجه باید نمود که جرایم علیه دولت و ملت "چه به نام "جرایم علیه امنیت و منفعت عامه" یاد گردد و چه به نام "خیانت ملی" مسمما شود در نوع تعقیب و اندازه مجازات قانونی آن اثری نه خواهد داشت چه مجازات اکثر این اعمال اعدام و حبس دوام می باشد، زیرا ارتکاب این جنایت بزرگ می تواند، فاجعه بربادگری را برای یک ملت به بار آورد. اما تعمیم مغرضانه و سیاسی- ایدیولوژیک این اصطلاح حقوق جزایی بر اعمالی که انطباق معنایی با آن نه داشته باشند نه تنها یک روش غیر حرفه بی بلکه به تعبیر مجاز دانستن ورود سیاست و ایدیولوژی در حوزه قوانین جزایی نیز خواهد بود.

در کشور ما در استعمال و کاربرد اصطلاح "خیانت ملی" خیلی با بی باکی و گاهی بدون توجه به عمق معنای کلمه این اصطلاح به وفرت استعمال میگردد، حکومتات و حکمروایان هر بار که از شخصی یا گروهی به حیث رقیب ربایند قدرت در برابر خود احساس هراس نموده اند، بدون معطلی بر وی و یا بر آنها اتهام خیانت ملی را وارد کرده اند، در تبلیغات سیاسی روزمره هم گروه و اشخاص وابسته به تمایلات گوناگون این یا آن شخص را خائن

ملی خطاب کرده و متهم به خیانت ملی میسازند که این رسم نابجا افراد را به عادت نادرست استعمال اصطلاحاتی که آنرا نمی شناسند، مصاب خواهد کرد. فرهنگ "نام غلطی" در امور تشخیص جرایم برای سیاسیون و قدرتمندان فرصت های زیادی را مساعد خواهد ساخت تا مخالفان و رقبای خود را به ارتکاب اعمال جرمی که اصولاً در قوانین به آن شدت و وخامت توصیف نه شده اند، متهم نموده و از صحنه برون نمایند.

پایان

مأخذ:

قانون جزای افغانستان

قانون جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی افغانستان

La code pénal française

مبسوط ترمینولوژی حقوق

<http://www.afghan->

german.net/upload/Tahlilha_PDF/m_nezam_taraf_geeri_yaki_az_azai_haiat_modir
a.pdf

د پانوی شمیره: له ۴ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ